



چرا تلاش‌های اسرائیل برای مهار حزب الله ناکام ماند؟

دیدگاه‌ها و ارزیابی تحلیلگران و آگاهان سیاسی عرب در فلسطین
اشغالی از نتایج آخرین جنگ حزب الله با رژیم صهیونیستی

درآمد

رویدادهای شش دهه گذشته خاورمیانه نشان داده که رژیم صهیونیستی به منظور تحقق اهداف سیاسی خود و تامین امنیت برای شهروندان صهیونیست، همواره از قدرت نظامی و خشونت استفاده کرده است. سردمداران این رژیم بر این باورند که استفاده از خشونت و قدرت کوبنده نظامی بر ضد جنبش‌های مبارز فلسطینی و کشورهای عرب همسایه، مهمترین محورهای عقیده نظامی اسرائیل را تشکیل می‌دهد. اما جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ در برابر حزب الله لبنان، و پیامدهای ویرانگر آن بر ساختار جامعه اسرائیل ثابت کرد که جامعه صهیونیستی پس از گذشت شش دهه، اکنون با چالش‌های گوناگونی مواجه شده است. سران ابله و احمق اسرائیل (آنگونه که دبیر کل حزب الله توصیف کرده) با همدستی دولت پیشین آمریکا و برخی دولت‌های مرتجع عرب، روز دوازدهم ژوئیه سال ۲۰۰۶ با آغاز جنگ غافلگیرانه امیدوار بودند قدرت و موقعیت حزب الله را در لبنان و جهان عرب محدود، یا از بین ببرند، و «خاورمیانه جدیدی» را به وجود بیاورند. ولی پایداری و رشادت رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان، این طرح بکلی شکست خورد. اکنون قدرت نمایی حزب الله و همدارهای مستمر سید حسن نصرالله، سران رژیم صهیونیستی را بر سر دو راهی قرار داده، به گونه ای که محافل صهیونیست برای عبرت آموزی از نتایج جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ کار بازنگری رویدادهای گذشته را آغاز کرده اند، و به نظر می‌رسد تلاش‌های آنان برای توقف گردش عقربه‌های ساعت در آنسوی مرز شمالی فلسطین اشغالی کاری بیهوده می‌نماید. اکنون محافل نظامی و سیاسی این رژیم بناچار اعتراف می‌کنند که توانایی توقف نمودار تصاعدی قدرت فزاینده حزب الله را ندارند. و شکی نیست که توانمندی قدرت حزب الله به برکت خون شهید حاج عماد مغنیه و برنامه‌ریزی ماهرانه فرماندهان نظامی مقاومت اسلامی لبنان بوده است. این مقاله، خلاصه دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های تعدادی از تحلیلگران و آگاهان سیاسی عرب در فلسطین اشغالی از نتایج آخرین جنگ حزب الله با رژیم صهیونیستی است که توسط گروه مترجمین شاهد یاران تهیه و در اختیار خوانندگان قرار گرفته است:

را به خطر انداخته است. بنابر این، تقاضا برای ریشه‌کنی تهدید حزب الله با توجه به فزونی قدرت نظامی این حزب یک تقاضای منطقی است. تجربه شکست ارتش اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب الله نشان داد که استفاده از قدرت نظامی محدود یا گسترده برای تحمیل اراده سیاسی بر دشمنی همچون حزب الله، تلاشی سودمند نبوده است. جنگ مزبور به مقام‌های اسرائیل آموخت که به موازات اقدام نظامی و به کارگیری ابزارهای جنگی لازم است از اهرم‌های فشار دیگری غیر از ابزار جنگی استفاده نمایند. ارتش اسرائیل برای تحقق اهداف اسرائیل در جنگ دوم با لبنان بسیار متواضعانه برخورد کرد، زیرا قدرت حزب الله را نشناخته بود.

آرامش عجیبی که در حال حاضر در جبهه رویارویی فرضی با حزب الله در مرز لبنان وجود دارد گویای این واقعیت است که قدرت ارتش اسرائیل برای نابودی یا تضعیف حزب الله بسیار محدود شده است، و برای برطرف نمودن

اکنون سران رژیم صهیونیستی خوب فهمیده اند که حزب الله یک تشکیلات منسجم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی است که در جامعه لبنان ریشه دوانده، و حمایت اقشار وسیع مردم و طرفداران حزب الله در جهان عرب، ضامن تداوم نقش سازنده و فعال و اساسی این حزب در صحنه لبنان و برخی کشورهای منطقه شده است. اسرائیلی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که حزب الله به طور مطلق از قویترین احزاب و سازمان‌های فعال لبنان بوده و در جهان عرب نظیر آن وجود ندارد. قدرت نظامی حزب الله بسیار شگفت‌آور است، و چنین قدرتی هرگز در تشکیلات سیاسی غیر دولتی، یا جامعه مدنی جهان عرب مشابه آن وجود ندارد. اگر بگوئیم برخی از کشورهای عربی هم به اندازه قدرت حزب الله از ابزار قدرت نظامی و جایگاه مردمی برخوردار نیستند اغراق نگفته ایم. و این قدرت فقط به منظور حفظ آمادگی برای رویارویی با هرگونه حمله احتمالی اسرائیل به لبنان، یا برخی کشورهای منطقه سازماندهی شده است.

قدرت نظامی حزب الله همه معادلات و اهداف پیشین و کنونی اسرائیل را در منطقه برهم زده و قدرت مانور این رژیم را به شدت کاهش داده و مانع ادامه استفاده این رژیم از قدرت نظامی و خشونت برای تحقق اهداف سیاسی خود در لبنان و برخی مناطق خاورمیانه شده است. مهمتر از همه اسرائیلی‌ها در پی جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ به این نتیجه رسیده‌اند که حزب الله با هرگونه سازش با اسرائیل مخالف است. زیرا عقاید و باورهای دینی حزب به او اجازه سازش و آتش بس با اسرائیل را نمی‌دهد، و به نظر می‌رسد رویارویی و کشمکش میان حزب الله و اسرائیل تا نهایت تداوم خواهد یافت.

لذا بسا توجه به منتفی بودن امکان سازش با حزب الله و عامل تهدید بودن قدرت حزب الله بر امنیت ملی اسرائیل، این شرایط اقتضا کرده تا مقام‌های اسرائیل برای برطرف کردن تهدید حزب الله چاره اندیشی کنند. در سه سال گذشته و در پی شکست ارتش اسرائیل در برابر حزب الله، پژوهش‌ها و مطالعات فراوانی از سوی پژوهشگران اسرائیلی منتشر گردید و میزان تهدیدهای حزب الله بر امنیت عمومی رژیم صهیونیستی در آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در یکی از این پژوهش‌ها آمده است که تهدیدهای حزب الله به قدری گسترش یافته که «موجودیت» کبان اسرائیل

رویدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران، اسرائیلی‌ها را تا حدودی به انتخاب گزینه قطع ارتباط حزب الله با ایران را امیدوار کرد. ولی آرام شدن اوضاع در ایران امیدهای آنان را برای سرنگونی نظام اسلامی دوباره بر باد داد و به سردرگمی آنها افزود.

تهدیدهای حزب الله باید راه‌ها و روش‌های دیگری غیر از روش‌های نظامی را جستجو و جایگزین کرد. گزینه استفاده از ماشین جنگی برای ریشه‌کنی حزب الله در جریان جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ ناکار آمدی خود را به اثبات رساند. و اکنون نیز به نظر می‌رسد که اسرائیل از ابزار و مکانیزم دیگری برای رویارویی با خطر حزب الله برخوردار نمی‌باشد.

اسرائیل در سه سال گذشته به امید بروز برخی تحولات و تغییرات سیاسی در لبنان و منطقه چشم دوخته بود که در



در حال حاضر آرامش عجیبی که در جبهه رویارویی با حزب الله در مرز لبنان وجود دارد گویای این واقعیت است که توان اسرائیل برای نابودی یا تضعیف حزب الله بسیار محدود شده و برای برطرف نمودن تهدیدهای حزب الله باید راه ها و روش های دیگری غیر از روش های نظامی را جایگزین کرد.

صورت تحقق آن امکان داشت قدرت حزب الله تضعیف گردد، یا بتوان به وسیله این تحولات این حزب را مهار کرد. اسرائیل به طور مستقیم یا به کمک آمریکا به برخی از این تحولات دامن زد. ولی هیچ دستاوردی برای اسرائیل نداشت و حزب الله همچنان به گسترش قدرت نظامی خویش ادامه می دهد.

برخی از این تحولات که اسرائیل به آن چشم دوخته بود عبارتند از:

۱ - قطع ارتباط ایران با حزب الله :

اسرائیلی ها معتقدند که یکی از مهمترین شروط مهار تهدیدهای حزب الله و فلج نمودن فعالیت های نظامی آن، قطع ارتباط این حزب با ایران است. زیرا قطع روابط طرفین ضربه بسیار شکننده ای بر قدرت حزب الله وارد می آورد، و منابع مالی و فکری حزب را خشک می کند. صهیونیست ها بر این باورند که سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران تنها راه قطع ارتباط ایران با حزب الله لبنان می باشد. و برای تحقق این هدف راه دیگری وجود ندارد. چنانچه نظام اسلامی ایران سرنگون شود، تلاش برای تشدید تحریم های اقتصادی و فشارهای گوناگون بین المللی بر تهران منتفی می گردد. زیرا اسرائیل از طریق فعالیت های دیپلماتیک و تماس با دولت های با نفوذ غربی می کوشد تحریم اقتصادی بین المللی بر ضد ایران را تشدید کند.

بیشتر پژوهشگران و تحلیلگران اسرائیلی که درباره نتایج تحریم های اقتصادی بر ایران بحث کرده اند، معتقدند که عامل فشارهای اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران تاثیر محدود و مقطعی بر سیاست های تهران در قبال حزب الله دارد. ولی مطمئن نیستند که تحریم های اقتصادی، پشتیبانی ایران از حزب الله را متوقف کند. بسیاری از تورسین های اسرائیل تحقق این گزینه را نیز بعید می دانند. ولی در عین حال بسیاری از پژوهشگران و کارشناسان مراکز پژوهشی و امنیتی اسرائیل در بحث ها و پژوهش سه سال گذشته شان تاکید کرده اند که سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران یک گزینه نظری است و پایه و اساس عملی ندارد.

۲ - قطع ارتباط سوریه با حزب الله :

اسرائیلی ها قطع ارتباط سوریه با حزب الله را از نظر تئوریک امکان پذیر می دانند، و بر این باورند که روابط سوریه با حزب الله مانند روابط ایران با حزب الله نیست. بر اساس این دیدگاه در سوریه یک نظام سکولار حکومت می کند، در حالی که نظام حاکم در ایران اسلامی است، و روابط ایران با حزب الله بر اساس مبانی دینی عقیدتی پیوند خورده است. پژوهش هایی که در اسرائیل منتشر شده حاکی است که تغییر سیاست سوریه در قبال حزب الله فقط در صورت امضای موافقتنامه سازش بین تل آویو و دمشق امکان پذیر است. اسرائیلی ها امیدوارند چنانچه با سوریه به تفاهم برسند، و برای امضای موافقتنامه صلح به این کشور امتیازات سیاسی و اقتصادی تقدیم کنند، امکان دارد سوریه روابطش را با ایران و حزب الله و سازمان های مقاومت در فلسطین قطع کند. محافل پژوهشی در اسرائیل با ارائه نظریاتی ابراز امیدواری می کنند در صورت تشدید مجازات های سیاسی و اقتصادی بین المللی بر سوریه امکان دارد به نتایج مطلوب دسترسی پیدا کنند.

یهود المرت نخست وزیر پیشین اسرائیل سال گذشته در چارچوب چند دور گفت و گوهای غیر مستقیم با سوریه در آنکارا تلاش های دامنه داری را برای تست کردن موضع سوریه از طریق ارائه سبب امتیازات سیاسی و اقتصادی به عمل آورد. ولی سوریه هیچ تعهدی برای قطع روابط و همکاری های خود با ایران و حزب الله ارائه نداد، و اسرائیلی ها را نا امید کرد. ولی اسرائیلی ها از طریق گفت و گوهای جاری میان دولت جدید آمریکا و دمشق امیدوارند بتوانند روابط سوریه با ایران و حزب الله را قطع کنند.

۳ - تحولات داخلی لبنان :

اسرائیل با دقت کامل اوضاع و تحولات داخلی و بحران های پی در پی لبنان را پیگیری می کرده است. این رژیم شاهد بوده که لبنان در سه سال گذشته بحران های ویرانگری را پشت سر گذاشت، و امکان داشت موقعیت حزب الله را در این کشور برکلی تضعیف کند. در پی خروج ارتش اسرائیل از لبنان در سال ۲۰۰۵ میزان امیدواری اسرائیل برای خلع سلاح و مهار حزب الله افزایش یافت به ویژه پس از اینکه برخی از جریان های لبنانی در زمینه لزوم خلع



سلاح حزب الله، با خواسته های اسرائیل همراه شدند. ولی حزب الله با شایستگی و مهارت تمام همه توطئه های داخلی و خارجی به ویژه طرح ها و اهداف اسرائیل را خنثی کرد. در پرتو فشارهای همه جانبه داخلی و خارجی بر حزب الله، اسرائیل هم در ژوئیه سال ۲۰۰۶ این فرصت را غنیمت شمرد و با راه اندازی یک جنگ گسترده نظامی ۳۳ روزه با همکاری آمریکا و برخی دولت های میانه رو عرب کوشید قدرت نظامی حزب الله را از بین ببرد، ولی در این طرح نیز ناکام ماند.

در پی توقف جنگ نیز اسرائیل بیکار ننشست و کوشید برخی جریان های سیاسی داخلی لبنان را بر ضد حزب الله بشوهراند تا شاید حزب الله را در مسائل داخلی لبنان سرگرم کند و از میزان آسیب رسانی این حزب به اسرائیل بکاهد. در همان حال رویدادها و تحولات منطقه ای و بین المللی بر اوضاع داخلی لبنان اثر منفی گذاشت و صحنه سیاسی لبنان در آستانه فتنه وحشتناک و جنگ داخلی قرار گرفت. اسرائیل همچنان امیدوار بود که بحران های داخلی لبنان حزب الله را به خود سرگرم کند، یا حزب الله گرفتار بحران های داخلی لبنان شود، و از تمرکز تلاش هایش بر ضد اسرائیل باز بماند. اما رویدادهای روز هفتم ماه مه سال ۲۰۰۸ بار دیگر امیدهای اسرائیل را در زمینه گرفتار شدن حزب الله در بحران های داخلی این کشور بکلی بر باد داد. اسرائیل اکنون فقط به نتایج دادگاه بین المللی رسیدگی به پرونده ترور رفیق حریری نخست وزیر پیشین لبنان دل خوش کرده و امیدوار است این دادگاه حزب الله را متهم اصلی ترور حریری معرفی کند، تا لبنان دوباره دستخوش آشوب و هرج و مرج گردد.

استحکام موقعیت حزب الله و تاثیر آن بر جامعه اسرائیل:

ناکامی اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب الله پیامدهای وحشتناکی در زمینه دگرگونی جامعه اسرائیل بر جای گذاشت. این جنگ دورنمای موجودیت اسرائیل را در خاورمیانه زیر سؤال برد. و مهمترین تعبیری که می توان از این دگرگونی کرد این است که جامعه اسرائیل را برای اولین بار با چالش «نابودی» و تهدیدهای سرنوشت ساز مواجه ساخت. اسرائیل جنگ مزبور را تلاشی برای محدود نمودن موقعیت حزب الله در لبنان و در خاورمیانه برنامہ ریزی کرده بود، ولی شکست سنگین اسرائیل در این جنگ، همه طرح ها و نقشه های این رژیم را ناکام ساخت. اکنون با گذشت سه سال از این جنگ موقعیت حزب الله

اشغالی جلوگیری کند، و نه می تواند با اقدامات سرکوبگرانه شرایط خود را بر فلسطینی ها تحمیل کند. در همین حال حمله های موشکی فلسطینی های نوار غزه به شهرها و روستاهای فلسطین اشغالی، اسرائیلی ها را سردرگم و با چالش های جدیدی مواجه ساخته است.

احتمال مجهز شدن حزب الله به موشک های ضد هوایی

مسئولان اسرائیل امروزه به این نتیجه رسیدند که توانایی مهار قدرت فراینده حزب الله را ندارند، ولی از بیان آشکار این ناتوانی شرم دارند. اسرائیلی ها از یک دهه پیش پذیرفته اند که در تلاش برای جلوگیری از گسترش قدرت نظامی حزب الله شکست خورده اند. نه می توانند مانع قدرت نمایی حزب الله شوند، و نه توان جلوگیری از استفاده حزب الله از قدرت نظامی خویش در لحظه مناسب را دارند. رویدادهای جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ و حمله های هوایی مستمر اسرائیل به تأسیسات اقتصادی و ساختار لبنان این انگیزه را به حزب الله داده تا برای توقف اینگونه حمله های هوایی چاره اندیشی کند. حزب الله از لحظه توقف جنگ مزبور، گام های استواری برای گسترش قدرت دفاعی خود در برابر هرگونه تجاوز احتمالی اسرائیل برداشت. تعداد رزمندگان مقاومت اسلامی از چند هزار تن به دهها هزار تن افزایش یافت، تسلیحات معمولی قبل از جنگ حزب الله به تسلیحات مدرن و متنوع تبدیل شد که با تخصص ارتش های مدرن برابری می کند. زرادخانه موشکی حزب الله چند برابر افزایش یافته و اکنون سرتاسر سرزمین های اشغالی فلسطین در تیرس این موشکها قرار گرفته است. اسرائیل ضمن اینکه روند مسلح شدن حزب الله به انواع سلاح های پیشرفته را از دور زیر نظر دارد، اما قدرت بازدارندگی حزب الله، دست اسرائیلی ها را برای هرگونه اقدامی بسته است.

در حال حاضر، اسرائیلی ها از شدت خشم و کینه نسبت به حزب الله لبهای خود را گاز می گیرند، همچنین از شدت شگفتی و سردرگمی نمی دانند با حزب الله چه برخوردی داشته باشند. اطلاعات ضد و نقیض درباره امکان مجهز شدن حزب الله به موشک های ضد هوایی ساخت روسیه، خواب راحت را از چشم اسرائیلی ها برده است. آنها می گویند که حزب الله به سلاحی مجهز شده است که موازنه قدرت را در خاورمیانه مختل کرده است. موشک هایی که حزب الله به آن مجهز شده قدرت مانور جنگنده ها و بمب افکن های اسرائیل را در آسمان لبنان با چالش جدی مواجه کرده است. اسرائیلی ها بر این باورند که با برتری نیروی هوایی شان توانسته اند موازنه قدرت با حزب الله به وجود بیاورند، ولی مسلح شدن حزب الله به منظومه های پیشرفته ضد هوایی که موازنه قدرت را برهم می ریزد، پیامدهای خطرناکی برای اسرائیل در پی دارد، و سبب می شود این رژیم توانمندی های تهاجمی و دفاعی و در نهایت قدرت بازدارندگی خود را از دست بدهد.

به استثنای قدرت نظامی و سلاح های پیشرفته، مهمترین عناصر قدرتی که حزب الله از آن برخوردار است، و اسرائیل را به وحشت انداخته است، اراده آهنین و عزم راسخ و شجاعت بی نظیر رزمندگان مقاومت می باشد. همه این عوامل قدرت، که حزب الله از آن برخوردار شده اسرائیل را با بن بست جدی مواجه ساخته است. منتقل از روزنامه لبنانی الاخبار - شماره ۱۴ اوت ۲۰۰۹



جایگاه خاصی در معادلات منطقه دارد و همواره متحد جنبش های مقاومت در خاورمیانه باقی مانده است. از سوی دیگر با وجودی که سوریه به روند سازش با اسرائیل بر مبنای تلاش برای آزادسازی بلندی های اشغالی جولان پایبند است، ولی گفت و گوهای نافرجام و غیرمستقیم سال گذشته میان دمشق و تل آویو در انکارا نشان داد که سوریه به اصول ثابت و خلل ناپذیر خود نیز پایبند می باشد، و گفت و گوهای سال گذشته یک اقدام تاکتیکی به منظور جلوگیری از اقدام نظامی احمقانه جرج بوش بر ضد سوریه در آخرین ماه های ریاست جمهوری او بوده است.

شکست اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب الله، ناکامی سیاست های تهدید آمیز جرج بوش در خاورمیانه، پافشاری سوریه روی سقف خواسته های خود در گفت و گوهای سازش، ادامه همکاری دمشق با تهران و پشتیبانی از جنبش های مقاومت این ایده را بر اسرائیل و آمریکا تحمیل کرد تا با دید مثبت به سوریه بنگرند. در همین حال ادامه روند غنی سازی اورانیوم، نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران، کنار رفتن جرج بوش از حاکمیت

ناکامی اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب الله پیامدهای وحشتناکی بر جامعه اسرائیل داشت و دورنمای موجودیت اسرائیل را زیر سؤال برد. مهمترین تعبیری که می توان از این تحلیل کرد این است که جامعه اسرائیل برای اولین بار با چالش «نابودی» مواجه شده است.

آمریکا بار دیگر به نا امیدواری های اسرائیل درباره امکان مهار حزب الله افزود. زیرا محافظه کاران جدید آمریکا به رهبری جرج بوش، ایران را تهدید کرده بودند چنانچه برنامه های غنی سازی اورانیوم را متوقف نکند با جنگ نظامی مواجه می شود. اسرائیل برنامه های هسته ای ایران را خطری بالقوه و بیسابقه برای موجودیت خود می داند، و به همین دلیل می کوشد این خطر را برطرف کند. اسرائیل افزون بر اینکه در برخورد با حزب الله، سوریه و ایران ناکام بوده و در برخورد با جنبش های مقاومت فلسطین در سرزمین های اشغالی نیز مستاصل شده است. اکنون نه می توانند از ضربات کوبنده فلسطینی ها در عمق اراضی

در لبنان و خاورمیانه استحکام یافته و قدرت نظامی مقاومت اسلامی در مقایسه با سال های قبل از جنگ به مراتب فزونی یافته است. از نظر آگاهان و صاحب نظران اسرائیلی، حزب الله از یک جنبش مقاومت که برای اسرائیل دردسر آفرین بوده و طرح های این رژیم را در لبنان و منطقه ناکام ساخته، به یک خطر استراتژیک و در حال گسترش تبدیل شده است. مهمتر از همه حزب الله به معادله ای اساسی و انکار ناپذیر در روند تحولات منطقه درآمده است. پس از گذشت سه سال از جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ سرانجام اسرائیل به این نتیجه رسیده که حزب الله قادر است مانع تحقق اهداف اسرائیل در لبنان از طریق حمله نظامی به این کشور شود. حزب الله ضمن ناکام ساختن اهداف اسرائیل در لبنان،

از جنبش مقاومت فلسطین نیز پشتیبانی به عمل می آورد، و در چارچوب کشورهای مخالف سلطه آمریکا و اسرائیل بر منطقه همچون ایران و سوریه نقش محوری و حیاتی ایفا می کند.

از نظر اسرائیلی ها، خطرناکترین عامل تهدیدهای حزب الله این است که قدرت نظامی این حزب از نظر نوعیت و کیفیت به مرور زمان گسترش می یابد. از سوی دیگر اسرائیل برای اولین بار در تاریخ پیدایش خود احساس می کند که عمق استراتژیک او با خطر جدی مواجه شده، و از تأمین سپر دفاعی برای شهروندانش عاجز مانده است. اکنون مقام های اسرائیل با صراحت به یهودیان می گویند که باید حزب الله را به عنوان یک خطر واقعی بپذیرند و با این خطر همزیستی نمایند. مانورهای متعددی که در سه سال گذشته به منظور رویارویی با خطر موشک های حزب الله در همه شهرهای اسرائیل برگزار گردید بیانگر این واقعیت است.

بر اساس این واقعیت ها، سرولکه افرادی در اسرائیل پیدا شده است که معتقدند امکان از بین بردن حزب الله از طریق حمله گسترده زمینی وجود ندارد، و به جای حمله زمینی لازم تأسیسات اقتصادی و ساختار زیر بنایی لبنان را از طریق حمله های فشرده هوایی بمباران کرد. تا افکار عمومی لبنان را بر ضد حزب الله برانگیزند. روزگاری که اسرائیل احساس می کرد با گروه موسیقی ارتش می تواند با لبنان برخورد کند سپری گشته، و اکنون با ماشین جنگی و عربده کشی نظامی کاری از دست او ساخته نیست.

به رغم ناکامی اسرائیل در بهره برداری از برتری نظامی در برابر سوریه و تلاش برای به سازش کشاندن این کشور، و نیز بازداشتن دمشق از ادامه پشتیبانی از جنبش های مقاومت در لبنان و فلسطین، ولی اسرائیلی ها همچنان امیدوارند بتوانند ارتباط سوریه را با مقاومت لبنان و فلسطین قطع کنند. در پی حضور اشغالگران آمریکایی در عراق و استقرار دهها هزار سرباز آمریکا در مرزهای سوریه، امیدواری اسرائیل برای به زانو درآوردن دمشق به اوج رسید. اسرائیل همچنین خروج ارتش سوریه از لبنان را نشانگر مرحله قبل از شلیک تیر خلاص به نظام سوریه تعبیر کرد ولی این آرزو را نیز به گور برد.

گفته شده که شکست اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب الله، میان سوریه و لبنان با اسرائیل موازنه قدرت برقرار شده است. با وجودی که سوریه در چند دهه گذشته در هیچ اقدام مستقیم نظامی بر ضد اسرائیل شرکت نداشته است ولی از تقدیم هرگونه کمک به جنبش های مقاومت در لبنان و فلسطین به ویژه در جریان جنگ ۳۳ روزه دریغ نکرده است. این کمک ها نشان داد که سوریه